www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

National expectations and local realities: the experience of the teachers of the first secondary school in Hormozgan province from changing the curriculum

Ziaaldin salari [1], Hoseyn zainalipour [*2] , Nematollah mousapour [3], Abdolvahab samavi [4]

[1] PhD student of Curriculum Planning, University of Hormozgan
[2] Associate Professor, Department of Education, University of Hormozgan
[3] full Professor in curriculum planing, Department of Education, University of Hormozgan
[4] Associate Professor, Department of Education, University of Hormozgan

**Corresponding author: Bandar Abbas - km 10 of Minab Road - Hormozgan University - Department of Educational Sciences E-mail: hzainalipour@yahoo.com*

Article Info

Keywords: *Change, implementation, curriculum, first year of high school*

Abstract

Introduction: Considering the changes and transformations that have taken place in different parts of the society; It is necessary to change and implement the curriculum in accordance with these changes in order to acquire the skills needed by the students. The purpose of this study is to describe the lived experience of first grade secondary school teachers in Hormozgan province in facing the implementation of curriculum changes.

Methodology: This study was conducted with a qualitative approach and phenomenological method. The potential participants of the research were all first year secondary school teachers in Hormozgan province, and twenty of them were selected by purposive sampling method with theoretical information saturation logic. The data collection tool was a semi-structured interview. The analysis of the data obtained from the interview was done through the technique of thematic analysis with the seven-step colaizzi approach and using the MAXQDA software. In order to evaluate the validity and reliability of the study, four criteria of validity, transferability, reliability and confirmability were used.

Results: Analyzing the data from the interviews into 73 basic themes, 17 organizing themes of the second stage, 4 organizing themes of the first stage including; "Improper platform and context for the implementation of changes", "obstacles to the implementation of curriculum changes","facilitating factors for the implementation of changes at the local level", and "empowerment of human resources for the implementation of changes" resulted.

Conclusion: Based on the results of this study, before implementing the changes, it is necessary to create suitable infrastructure and remove the existing obstacles in the way of implementing the changes, and the necessary ground for the presence and participation of local communities in the formulation and implementation of curriculum changes according to the local conditions of each province provided

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۴۰۵
صفحات: ۶۱-۵۰

نویسندگان محترم بدون حذف کامنت ها اصلاحات انجام و به رنگ قرمز بولد شود انتظارات ملی و واقعیت‌های بومی: تجربه دبیران دوره اول متوسطه استان هرمزگان از تغییر برنامه درسی

ضیاالدین سالاری[۱]، حسین زینلی پور* [۲]، نعمت الله موسی پور [۳]، عبدالوهاب سماوی[۴]

[۱] دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه هرمزگان
[۲] دانشیار گروه علوم تربیتی ، دانشگاه هرمزگان
[۳] استاد تمام، گروه علوم تربیتی، دانشگاه هرمزگان
[۴] دانشیار ، گروه علوم تربیتی ، دانشگاه هرمزگان

* نویسنده مسوول: حسین زینلی پور، گروه علوم تربیتی، دانشگاه هرمزگان، تلفن۰۹۱۷۹۶۰۶۷۴۲، Hzainalipour@yahoo.com

چکیده

مقدمه: با توجه به تغییر و تحولات صورت گرفته در بخش های مختلف جامعه؛ تغییر و اجرای برنامه های درسی متناسب با این تغییرات جهت کسب شایستگی های مورد نیاز دانش آموزان امری ضروری است. هدف از این مطالعه، تشریح تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه استان هرمزگان در مواجهه با اجرای تغییرات برنامه درسی می باشد.

روش کار: این مطالعه با رویکرد کیفی، و به روش پدیدارشناسی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش کلیّه‌ی معلمان دوره اول متوسطه در استان هرمزگان بودند که از بین آنها بیست نفر به روش نمونه گیری هدفمند با منطق اشباع نظری اطلاعات انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. تحلیل داده ها ی حاصل از مصاحبه از طریق تکنیک تحلیل مضمون با رویکرد هفت مرحله ای کلایزی و با استفاده از نرم افزار maxqda انجام شد. جهت ارزیابی روایی و پایایی مطالعه از چهار معیار اعتبار پذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تایید پذیری استفاده شده است.

نتایج: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به ۷۳ مضمون پایه، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده‌ی مرحله‌ی دوم، ۴ مضمون سازمان‌دهنده‌ی مرحله‌ی اول شامل؛ «بستر و زمینه نامناسب اجرای تغییرات»، «موانع اجرای تغییرات برنامه درسی»، «عوامل تسهیلگر اجرای تغییرات در سطح محلی»، و «توانمندسازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات» منتج شد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه باید قبل از اعمال تغییرات نسبت به ایجاد زیرساخت های مناسب و رفع موانع موجود در مسیر اجرای تغییرات اقدام کرد و زمینه لازم برای حضور و مشارکت جوامع محلی در تدوین و اجرای تغییرات برنامه درسی متناسب با شرایط بومی هر استان را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تغییر، اجرا ، برنامه درسی، دوره اول متوسطه

مقدمه

با ورود به هزاره سوم میلادی شاهد تغییرات سریع و شدت پیچیدگی های محیطی درجوامع مختلف هستیم که این تغییرات در صنایع، فناوری‌ها یا بخش‌های مختلف یک جامعه مانند آموزش، حمل و نقل، مراقبت‌های بهداشتی و سیاست‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که امروزه، تغییر امری ضروری و غیرقابل انکار و بخش عمده‌ای از زندگی ما شده است(۱). یکی از حوزه‌هایی که به شدت تحت تاثیر این تغییرات قرار گرفته است نظام‌های آموزشی می‌باشد که باید خود را با این تغییرات همگام سازند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای جوامع باشند. با توجه به آنکه «یکی از اصلی‌ترین اجزا آموزش؛ برنامه درسی است که از آن به عنوان قلب آموزش یاد می‌شود » (۲). لذا ضرورت تغییر، اصلاح و بازنگری برنامه‌های درسی در هر نظام آموزشی امری اجتناب ناپذیر می‌باشد. «یکی از عمده‌ترین مشکلاتی که در حال حاضر، تغییر برنامه‌های درسی با آن مواجه است اجرای تغییرات برنامه های درسی می باشد؛ زیرا یکی از اشتباهات بزرگ تغییر این است که سیاستگذاران تنها بر محتوای تغییر تکیه کرده و از روند اجرایی آن غافل می‌مانند؛ در صورتی که اهمیت فرایندی که تغییر را اداره و اجرا می‌کند همسنگ خود اندیشه‌ی تغییر است» (۳). بنابراین صرف ایجاد تغییر و یا بازنگری درمحتوی برنامه‌های درسی هیچ تضمینی جهت دست یابی به اهداف آموزشی قصد شده در برنامه تغییر به ما نمی‌دهد و با شروع اجرای برنامه این احتمال می رود که موقعیت های ناراحت کننده ای رخ دهد (۴). یکی از مهمترین مباحث مرتبط با تغییر برنامه های درسی، بحث اجرای برنامه درسی است (۵). اجرا، بخش اساسی برنامه ریزی درسی(curriculum development) است که تغییرات پیش بینی شده را به واقعیت تبدیل می‌کند (۶). اجرای برنامه درسی فرایند انجام تغییر در عمل است و بر آن دسته از عواملی تاکید دارد که میزان تغییر را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۷). بنابراین می‌توان گفت که اجرا بخش مهمی از روند تغییر برنامه درسی است که باید در فرایند تغییر برنامه درسی مد نظر قرار گیرد. با توجه به سیستم آموزشی متمرکز در کشور ما، علی رغم اینکه مناطق مختلف کشور دارای تفاوت های مختلفی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، قومی، نژادی، مذهبی، زبانی و غیره هستند اما هر گونه تغییر در نظام های آموزشی و برنامه درسی در مناطق مختلف به صورت یکسان و عام اجرا می گردد و معمولا توجه زیادی به شرایط خاص مناطق و استان ها و برنامه درسی محلی متناسب با شرایط هر منطقه (بوم) نمی شود. منظور از برنامه درسی محلی برنامه ای است که متناسب با شرایط خاص هر زیست بوم طراحی شده است. پاندر(Ponder) ۱۹۸۳ به نقل از وایدر(Wither) اظهار می دارد که «برنامه ریزی درسی محلی(Local curriculum development) شکل بهینه توسعه و اجرای برنامه درسی از نظر تأثیر واقعی در کلاس درس است» (۸). به عبارت دیگر « برنامه درسی محلی را می توان به عنوان یادگیری قصد شده ای(intended learning)که توسط معلم در یک محیط مدرسه خاص و برای دانش آموزان خاص خود طرح کرده توصیف کرد»(۹). به هر حال میزان توجه به شرایط ملی و محلی در زمان تغییر و اجرای تغییرات برنامه درسی چالشی است که با توجه به اهمیت این موضوع؛ پژوهش های مختلفی در داخل و خارج از کشور در این خصوص صورت گرفته است به عنوان مثال گورونگ، و پاراجولی(Gurung& Parajuli) در پژوهشی نشان دادند که بیشتر مدارس علاقه ای به اجرای برنامه درسی محلی نشان نمی دهند زیرا برنامه درسی محلی بر اساس نیازهای محلی، میراث فرهنگی، استقلال محلی و پوشش دانش علمی بومی طراحی نشده بود. این مطالعه همچنین نیاز به بحث و مشارکت بین ذینفعان محلی، کارشناسان و مقامات آموزشی محلی برای اجرای برنامه درسی محلی را ضروری می داند(۱۰).

در پژوهش دیگر اموانز و مکانوایر(Mwanza& Mkandawire) نشان دادند که معلمان در روند اجرای برنامه درسی جدید با چالش هایی همچون آموزش و یادگیری ناکافی، فرهنگ ضعیف همکاری گروهی برخی از معلمان، امکانات ناکافی در مدرسه، غیبت دانش آموزان و فعالیت‌های برنامه درسی مشارکتی مواجه بودند(۱۱). شارما (Sharma) و همکاران در پژوهشی نشان دادند که سازمان‌های ملی در سیستم آموزشی متمرکز برای تدوین برنامه درسی و انتشار فرهنگ به شهروندان خود اقتدار بیشتری دارند بنابراین باید فرصت‌هایی برای توسعه برنامه درسی محلی مطابق با نیاز جامعه محلی، فرهنگ، اقتصاد، تجارت، قومیت یا زبان، تاریخ‌های مختلف فرهنگی و محلی ابداع کرد(۱۲). کانیانکوله (Kanyankole) در پژوهشی نشان داد که اجرای تغییرات برنامه درسی با محدودیت هایی مواجه است که برای رفع این محدودیت ها می‌بایست به معلمان به عنوان مجریان اصلی تغییر برنامه درسی آموزش های بیشتری ارائه شود.و تامین مواد درسی و سایر امکانات باید در اولویت قرار گیرد(۱۳).

هادی و اندریان(Hadi & Andrian) در پژوهشی نشان دادند که معلمان برای اجرای برنامه درسی محلی در عمل با چالش هایی از قبیل مشکل در درک دروس مرتبط با فرهنگ محلی، نداشتن زمان کافی برای درک عمیق برنامه درسی محلی تهیه شده توسط مسئولان محلی، نبود امکانات و زیر ساخت ها برای اجرای برنامه درسی محلی، مشکل در ارزیابی جنبه های

عاطفی و روانی حرکتی یادگیری دانش آموزان مواجه هستند(۱۴).

پژوهش گووندر(Govender) نیز نشان داد که در اجرای تغییرات برنامه درسی معلمان معتقدند که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای برای آنها ارائه نمی‌شوند و بیشتر کارگاههای برگزار شده از طرف منطقه یا مدرسه بر جنبه های اداری کارشان متمرکز است و توجهی به افزایش دانش محتوایی آنها در زمینه تغییرات برنامه درسی نمی شود(۱۵). سویانتو(Suyanto) در پژوهشی نشان داد که درصد کمی از مدارس آمادگی اجرای برنامه درسی جدید را داشتند که این عدم آمادگی به دلیل کمبود کتاب های درسی جدید، عدم درک معلمان از برنامه درسی جدید، عدم دسترسی کامل همه معلمان و دانش به فناوری اطلاعات و ارتباطات، عدم شناخت روش های ارزشیابی صحیح از برنامه درسی جدید می باشد(۱۶). تامپسون(Thompson) و همکاران در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که معلمان نقش محوری در اجرای تغییرات برنامه درسی دارند اما در اجرا با موانعی از قبیل فقدان منابع پشتیبانی موجود مانند طرح درس، نمونه های ارزیابی و کتاب های کار، عدم اعتماد به نفس یا تجربه لازم و زمان ناکافی برای برای آشنایی با استانداردهای جدید مواجهه بودند(۱۷).

در داخل کشور نیز پژوهش های مختلفی در خصوص تغییر و اجرای برنامه درسی صورت گرفته است به عنوان مثال زینتی در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که تغییر یک عمل مداوم و نیازمند تعامل است که حضور و مشارکت فعالانه معلمان در عرصه تغییر برنامه های درسی مستلزم در نظر گرفتن و کاربست تجارب آنان در اعمال تغییر های جدید می باشد (۱۸). وقاری زمهریر، کرمی و جعفری ثانی در پژوهشی چالش های تغییر و اجرای برنامه درسی در دو مقوله کلی «چالشهای مربوط به فرایند بازنگری برنامه درسی» و «چالشهای مربوط به فرایند اجرای تغییرات» شناسایی و دسته بندی کردند. (۱۹).

زرقانی، امین خندقی و شعبانی ورکی در پژوهشی تحت عنوان «تغییر مطلوب در فرایند اجرای برنامه های درسی به منظور فهم تغییر مطلوب از منظر معلمان»، سه مقوله کلی «سطح کلان»، «سطح میانی» و «سطح خرد» به دست آمده است که سطح کلان به سه زیر مقوله «شرایط سیستمی»، «شرایط زمینه‌ای» و «شرایط سیاسی» و سطح میانی با سه زیر مقوله «هدف»،« محتوا» و «روش ارائه» و سطح خرد با یک زیر مقوله «تصمیمات مدیریتی» که به برنامه ریزی‌های اجرایی در سطح ناحیه و مدرسه معلمان اشاره دارد وضعیت مطلوب برای تغییر معلمان را توصیف کرده است(۲۰). بیرمی پور در پژوهشی نشان داد که عوامل مدیریتی، عوامل مرتبط با معلم، عوامل فیزیکی و روانی و عوامل ایجاد کننده جو تعامل و تشریک مساعی براجرای تغییر برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی کشور موثرند(۲۱).

همان گونه که مشاهده میگردد در ارتباط با تغییر و اجرای برنامه های درسی پژوهش هایی در داخل کشور نیز انجام گردیده است. اما آنچه نمایان است هیچ کدام از این پژوهش ها به بررسی تجربه زیسته معلمان در مواجهه با اجرای تغییرات برنامه های درسی به صورت متمرکز و عام در یک منطقه زیست بوم خاص نپرداخته اند. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که تجربه زیسته معلمان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش استان هرمزگان به عنوان یک منطقه (بوم) که دارای شرایط منحصر به فردی از لحاظ جغرافیایی، فرهنگی، قومی، زبانی و..... است در مواجهه با اجرای تغییرات برنامه درسی به صورت متمرکز که برای کل کشور به صورت یکسان برگزار می شود چگونه است؟ به عبارت دیگر این گروه خاص معلمان در استان هرمزگان با پدیده تغییر مرکزی و عام برنامه درسی توسط مرکز چگونه مواجه شده اند.

روش کار

مطالعه حاضر از نوع کیفی و با روش پدیدارشناسی انجام شده است. مشارکت کنندگان بالقوه در این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع متوسطه اول در آموزش و پرورش استان هرمزگان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱بودند که با تغییر برنامه های درسی مواجه شده بودند و این تغییرات را اجرا کرده اند. منظور از تغییرات برنامه درسی در اینجا کلیه تغییراتی است که بعد از تغییر ساختار نظام آموزشی از« ۴-۳-۵» به سیستم« ۳-۳-۶» در کتاب های درسی دوره اول متوسطه ایجاد شد و با توجه به اینکه اعمال این تغییرات و استقرار این سیستم از سال ۹۱-۹۰ شروع شد ملاک لازم جهت ورود مشارکت کنندگان به تحقیق حداقل ۱۰ سال تجربه بود. در این مطالعه تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۰ نفز از این معلمان که به شیوه نمونه گیری هدفمند و به روش گلوله برفی انتخاب شدند مصاحبه گردید. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. تحلیل داده های جمع آوری شده حاصل از مصاحبه های صورت گرفته از طریق تکنیک تحلیل مضمون با رویکرد هفت مرحله ای کلایزی (۲۲) و با استفاده از نرم افزار maxqda10 انجام شد. جمع آوری و تحلیل داده ها به صورت همزمان انجام گردید به این صورت که ابتدا مصاحبه های ضبط شده پیاده سازی شد و به صورت نوشتاری و مکتوب آماده شد و در مرحله بعدی واحد های معنایی به صورت جمله از متن گزارش مصاحبه ها استخراج و به صورت کدهایی مشخص شد. جهت ارزیابی روایی و پایایی مطالعه از چهار معیار گوبا و لینکولن(Guba& Lincoln) شامل اعتبار پذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری

و تایید پذیری مطابق جدول شماره(۱) استفاده شد(۲۲). همچنین کلیه ملاحظات اخلاقی در این مطالعه از جمله اخذ مجوز از کارگروه کمیته اخلاق در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به شماره(IR.HUMS.REC.1401.279)، کسب رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان جهت ورود به مطالعه و حفظ گمنامی مشارکت کنندگان در پژوهش انجام شد. فرم رضایت آگاهانه توسط آنها تکمیل و اجازه ضبط و استفاده از اطلاعات بدون ذکر نام کسب گردید. حق کناره گیری از مشارکت در طول مطالعه لحاظ شد.

جدول ۱. روش های اعتبار یابی یافته های پژوهش

ملاک	اقدامات انجا م شده
اعتبار پذیری	مراجعه مجدد به مشارکت کنندگان و تبادل نظر در خصوص نتایج به دست آمده
اطمینان پذیری	استفاده از راهنمایی و نظارت اساتید صاحب نظر در فرایند جمع آوری و تحلیل داده ها
انتقال پذیری	توصیف روشن از بستر پژوهش، نحوه انتخاب و ویژگی های مشارکت کنندگان
تایید پذیری	مرور و بازبینی دقیق و چندین باره تفسیرها و نتایج و مستند سازی مراحل انجام کار

یافته ها

تحلیل داده های جمع آوری شده حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان پژوهش نشان داد که تجربه‌ی زیسته‌ی معلمان دوره اول متوسطه استان هرمزگان در مواجهه با اجرای تغییرات متمرکز و عام برنامه درسی متشکل از چهار مضمون سازمان دهنده مرحله اول شامل «بستر و زمینه نامناسب اجرای تغییرات با الگوی متمرکز در سطح محلی»، «موانع اجرای تغییرات برنامه درسی در سطح محلی»، «عوامل تسهیلگر اجرای تغییرات برنامه درسی در سطح محلی»، و «توانمند سازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات درسطح محلی» است. و این مضامین سازمان‌دهنده مرحله اول نیز خود از ۱۶ مضمون سازمان دهنده مرحله دوم یعنی «نارضایتی معلمان محلی از تغییر بدون مشارکت»، «درک ناقص برنامه ریزان ملی از شرایط بومی و محلی»، «ناهمخوانی محتوی برنامه درسی جدید با نیازهای محلی»،«نگرش منفی دانش آموزان محلی به تغییرات عام برنامه درسی»، «مقاومت معلمان در برابر تغییر»، «موانع زیرساختی اجرای تغییر»، «عدم حمایت جامعه محلی از تغییرات»، «اجرای شتابزده تغییرات برنامه درسی»، «ناعدالتی در اجرای تغییرات برنامه درسی»، «ابهام و سردرگمی مجریان برنامه تغییر»، «لزوم درک ذینفعان از فلسفه وجودی تغییر»، «ضرورت توجه به ذینفعان در برنامه تغییر»، «توجه به تفاوت های فردی ذینفعان در فرایند اجرای تغییرات برنامه درسی»، « ارتقاء مهارت های مدیریتی مدیران»، «ارتقاء مهارت های حرفه ای معلمان» و «لزوم طراحی بسته های یاددهی-یادگیری متناسب با برنامه تغییر» به‌دست آمده‌اند. مضامین سازمان‌دهنده‌ی مرحله‌ی دوم نیز از ۷۳ مضمون پایه‌ی منتج‌شده از تحلیل مصاحبه‌های پژوهش به‌دست آمده‌اند. در ادامه به بحث و بررسی پیرامون مضامین به دست آمده پرداخته خواهد شد.

مضامین پایه و سازمان دهنده

جدول(۲)- بستر و زمینه نامناسب اجرای تغییرات در سطح محلی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده مرحله دوم	مضمون سازمان دهنده مرحله اول
تعلق خاطر نداشتن معلمان به تغییرات	**نارضایتی معلمان از تغییر بدون مشارکت**	**بستر و زمینه نامناسب اجرای تغییرات در سطح محلی**
کاهش مسئولیت پذیری معلمان به تغییرات		
کاهش انگیزه و رضایت شغلی معلمان		
بی توجهی به جایگاه و منزلت معلم		
معلمان به عنوان مجریان برنامه های از پیش تدوین شده		
بی اعتمادی به معلمان		
آماده نبودن معلمان در پذیرش تغییرات		
بی توجهی برنامه ریزان ملی به مشکلات محلی	**درک ناقص برنامه ریزان ملی از شرایط محلی**	
نادیده گرفته شدن ظرفیت های بومی و محلی		
نادیده گرفته شدن نیاز ها و شایستگی های بومی		
بی توجهی به نفاوت های فرهنگی مناطق		
بی توجهی به گروههای اقلیت در مناطق محلی		
ملموس نبودن محتوی جدید برای دانش آموزان	**ناهمخوانی محتوی برنامه درسی جدید با نیازهای محلی**	
پاسخ گو نبودن محتوی جدید به نیاز های واقعی		
عدم تاثیر محتوی جدید در بهبود شرایط زندگی		
عدم ارتباط محتوی با بازی های بومی و محلی		
استقبال نکردن دانش آموزان از برنامه درسی جدید	**نگرش منفی دانش آموزان محلی به تغییرات عام برنامه درسی**	
بی انگیزگی دانش آموزان در پذیرش برنامه جدید		
هزینه بر بودن تهییه مواد آموزشی جدید برای دانش آموزان		
بالا رفتن حجم کار و تکالیف دانش آموزان		

جدول(۳)- موانع اجرای تغییرات در سطح محلی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده مرحله دوم	مضمون سازمان دهنده مرحله اول
عادت داشتن به روش های قدیمی	**مقاومت معلمان در برابر تغییر**	**موانع ایجاد تغییرات در سطح محلی**
احساس به هم ریختگی در کارها		
افزایش حجم کار معلمان		
محدوودیت زمانی در اجرای تغییرات		
احساس سردرگمی و کلافگی		
کمبود امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی	**موانع زیر ساختی**	
نبود کلاس های هوشمند		
عدم دسترسی به اینترنت		
جمعیت بالا و تراکم نامناسب کلاس		
عدم تناسب چیدمان کلاس ها با برنامه درسی جدید		
معماری و طراحی کلاس ها به شیوه سنتی		
جبهه گیری خانواده ها در برابر تغییرات	**عدم حمایت جامعه محلی**	
عدم حمایت برون سازمانی از اجرای تغییرات		
همراه نبودن والدین با مدرسه جهت اجرای تغییرات		
عدم همکاری صاحبان صنایع محلی		

همکاری ضعیف خیرین محلی		
غافلگیری از اجرای تغییرات ناگهانی		
کاهش اعتماد به نفس در برابر اجرای ناگهانی تغییرات		
عدم اطلاع قبلی از برنامه تغییر		
آماده نبودن جهت پذیرش تغییرات		
نارضایتی معلمان از اجرای ناگهانی تغییرات	**اجرای شتابزده تغییرات**	
دسترسی نداشتن مناطق به منابع به طور یکسان		
بی توجهی به شرایط خاص استان ها در تدوین برنامه		
عدم تخصیص منابع یکسان برای همه مدارس		
تخصیص منابع بر مبنای شرایط سیاسی		
انتظارات غیر واقع بینانه از معلمان و دانش آموزان		
اختیارات محدود استانها و مناطق دربومی سازی محتوی	**ناعدالتی در اجرای تغییرات**	
مبهم بودن نحوه اجرای برنامه درسی جدید		
نبود سیستم ارزیابی دقیق و مشخص		
مداخلات مکرر ناظرین در اجرای تغییرات		
مواجهه با دوگانگی در روش تدریس		
ناهماهنگی بین اهداف و امکانات آموزشی		
ناهمسویی بین سبک های آموزشی قدیم و جدید	**سردرگمی مجریان**	

جدول(۴)- عوامل تسهیل کننده اجرای تغییرات در سطح محلی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده مرحله دوم	مضمون سازمان دهنده مرحله اول
توجیه والدین و دانش آموزان نسبت به تغییرات		عوامل تسهیل کننده اجرای تغییرات در سطح محلی
تشکیل کمیته های هماهنگی در سطح هر استان		
اقناع ذینفعان از ضرورت تغییر	**درک ذینفعان از فلسفه وجوی تغییر**	
مشارکت ذینفعان در تدوین برنامه تغییر		
استفاده از ظرفیت ها ی محلی در اجرای تغییرات	**مشارکت دادن ذینفعان در تدوین برنامه تغییر**	
مشورت و نظرسنجی از معلمان در تدوین برنامه تغییر		
لحاظ کردن تفاوت های فردی دانش آموزان		
لحاظ کردن نگرش های متفاوت معلمان به تغییر		
تفاوت های دانش آموزان در میزان رفاه اقتصادی		
تفاوت سطح سواد و دانش والدین	**توجه به تفاوت های فردی ذینفعان**	

جدول(۵)- ضرورت توانمند سازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات در سطح محلی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده مرحله دوم	مضمون سازمان دهنده مرحله اول
بالا بردن سطح همدلی مدیران محلی با معلمان		ضرورت توانمند سازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات در سطح محلی
ترویج روحیه تیمی و مشارکتی		
برنامه ریزی جهت اجرای تغییرات		
تقسیم صحیح وظایف بین کادر آموزشی مدرسه		
نظارت دقیق مدیر بر کار عوامل اجرایی	**ارتقاء مهارت های مدیریتی مدیران**	

جذب منابع مالی و فیزیکی		
آشنایی استراتژی های نوین تدریس و یادگیری		
به کارگیری دبیران مرتبط با دروس تخصصی		
آموزش معلمان در زمینه تفکر خلاق و حل مساله		
آموزش روش های نوین سنجش و ارزشیابی		
بالا بردن سطح دانش تخصصی معلمان	**ارتقاء مهارت های حرفه ای معلمان**	
تدوین کتاب کارمعلم		
ارایه راهنمای تدریس به معلمان		
معرفی نرم افزارها ی تخصصی در هر رشته	**طراحی بسته های یاددهی- یادگیری معلمان**	
ارایه جدول بودجه بندی بر مبنای شرایط هر منطقه		

بحث

با نگاهی عمیق به تجارب زیسته مشارکت کنندگان در مطالعه حاضر مشخص گردید که مفاهیم استنباط شده از تجارب آنان در بر گیرنده عوامل مختلفی بود که اجرای تغییرات برنامه های درسی را تحت تاثیر خود قرار می داد. در مجموع از تحلیل داده های حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان پژوهش در ارتباط با اجرای تغییرات برنامه درسی به صورت متمرکز در نظام آموزش متوسطه اول در استان هرمزگان چهار مضمون سازمان دهنده مرحله اول شامل «بستر و زمینه نامناسب اجرای تغییرات با الگوی متمرکز در سطح محلی» ، «موانع اجرای تغییرات برنامه درسی در سطح محلی»، «عوامل تسهیلگر اجرای تغییرات برنامه درسی در سطح محلی» ، و «توانمند سازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات درسطح محلی» به دست آمد. در ارتباط با اولین مضمون به دست آمده می توان اظهار داشت که با توجه به اینکه استان هرمزگان دارای شرایط خاص فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و ... است؛ بسیاری از مشارکت کنندگان دراین پژوهش ارزیابی خوبی نسبت به بستر و زمینه اجرای تغییرات برنامه درسی نداشته اند و معتقد بودند که اجرای تغییرات به صورت متمرکز باعث بی توجهی به فرهنگ بومی و محلی و نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی در تغییر برنامه های درسی شده است. یافته های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گورونگ و پاراجولی(۱۰)، شارما (۱۲)، هادی و آندریان(۱۴) همراستا می باشد بنابراین در تبیین یافته های این بخش از پژوهش می توان گفت، جهت اجرای اثر بخش تغییرات برنامه های درسی باید از میزان تمرکز برنامه ها در سطح ملی کاسته شود و به مناطق و استان ها اختیارات لازم داده شود که متناسب با شرایط خاص جغرافیایی و بومی و محلی خود برنامه درسی بومی متناسب با منطقه خود را طراحی و اجرا نمایند.

دومین مضمون سازمان دهنده مرحله اول که از داده های حاصل از مصاحبه منتج گردید «موانع اجرای تغییر برنامه درسی» بود به گونه ای که تعداد زیادی از مشارکت کنندگان معتقد به وجود موانعی بر سر راه اجرای درست تغییرات برنامه درسی به صورت متمرکز در استان هرمزگان بودند که اجرای برنامه های درسی تغییر یافته و جدید را با مشکل مواجه می ساخت. همان طور که ذکر گردید این مضمون سازماندهنده خود شامل زیر مضامین «مقاومت معلمان محلی در برابر تغییر»، «موانع زیر ساختی اجرای تغییر»، «فضای فیزیکی نامناسب»، «عدم حمایت جامعه محلی از تغییرات»، «اجرای شتابزده برنامه تغییر»، «ناعدالتی در اجرای تغییرات برنامه درسی»، «ابهام و سردرگمی مجریان برنامه تغییر» بود. که در این زمینه می توان گفت نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش وقاری زمهریر، کرمی و جعفری ثانی (۱۹) مبنی بر وجود چالش هایی از قبیل، مقاومت در برابر تغییر و نداشتن انگیزه کافی برای مشارکت در اجرا، کمبود فضا، زمان و امکانات آموزشی، کمبود نیروی انسانی، در زمینه اجرای تغییرات برنامه درسی همراستا می باشد. همچنین یافته های پژوهش تامپسون و همکاران نیز همراستا با نتایج این بخش از پژوهش نشان داده است که معلمان در اجرا با موانعی از قبیل فقدان منابع پشتیبانی موجود مانند طرح درس، نمونه های ارزیابی و کتاب های کار، عدم اعتماد به نفس یا تجربه لازم و زمان ناکافی برای برای آشنایی با استانداردهای جدید مواجهه بودند(۱۷).

سومین مضمون سازمان‌دهنده‌ی مرحله اول به دست آمده در این پژوهش، «عوامل تسهیلگر اجرای تغییرات برنامه درسی» بود که این مضمون نیز خود شامل؛ «درک ذینفعان از فلسفه وجوی برنامه تغییر»، «ضرورت توجه به ذینفعان در برنامه تغییر»، «ضرورت توجه به تفاوت های فردی ذینفعان» در فرایند اجرای تغییرات می باشد. یافته های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق گورونگ و پاراجولی(۱۰) مبنی بر ضرورت بحث و مشارکت بین ذینفعان محلی، کارشناسان و مقامات آموزشی محلی برای اجرای برنامه درسی محلی همراستا می باشد. بنابراین در تبیین یافته

های این بخش از پژوهش می توان گفت در فرایند اجرای تغییرات برنامه درسی قبل از هر چیز کلیه ذینفعان از قبیل معلمان، دانش آموزان، اولیا، مقامات و جوامع محلی و..... می بایست ضرورت وجود تغییر را درک کرده باشند و نسبت به آن آگاه و اقناع شوند تا با انگیزه و اشتیاق بیشتری اجرای تغییرات را دنبال کنند. به عبارت دیگر می بایست در زمان تدوین برنامه تغییر با آنان مشورت و نظر سنجی می گردید و همچنین به تفاوت های فردی ذینفعان در مرحله تدوین برنامه درسی توجه می شد که در حال حاظر بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش اکثر مشارکت کنندگان پژوهش معتقدند با توجه به متمرکز بودن تغییرات برنامه های درسی توجهی به ذینفعان در سطح مناطق و استان ها نمی گردد.

چهارمین مضمون سازمان دهنده مرحله اول به دست آمده این پژوهش « توانمند سازی منابع انسانی جهت اجرای تغییرات برنامه درسی» بود که این مضمون نیز خود شامل زیر مضامین «مهارت های مدیریتی برنامه تغییر»، « ارتقاء مهارت های حرفه ای معلمان»، و «لزوم طراحی بسته های یاددهی – یادگیری متناسب با تغییر» می باشد. یافته های این بخش از پژوهش با نتایج مطالعات اموانز و مکانوایر(۱۱)، کانیاکوله (۱۳)، گووندر(۱۵)، تامپسون(۱۷) مبنی بر ضرورت برگزاری دوره های آموزشی و ارتقا دانش و مهارت های مجریان برنامه تغییر همراستا می باشد. لذا در تبیین این یافته می توان چنین عنوان نمود که منابع انسانی از جمله معلمان و مدیران محلی با شناختی که از وضعیت بومی و محلی مناطق خود دارند قطعا می توانند نقش موثری در اجرای تغییرات برنامه درسی داشته باشند اما با توجه به عدم آموزش کافی معلمان و مدیران محلی و توجیه آنان در خصوص ضرورت اجرای تغییرات برنامه های درسی اکثریت آنها نگرش مثبتی نسبت به تغییرات برنامه درسی ندارند و همین امر اجرای تغییرات در سطح محلی را با مشکل مواجه ساخته است.. در این زمینه پیشنهاد می گردد علاوه بر برگزاری کارگاههای آموزشی به صورت حضوری می بایست در طول سال تحصیلی به صورت مستمر نیز به طراحی بسته های یاددهی– یادگیری حاوی فیلم های آموزشی؛ لوح های فشرده،کتاب راهنمای معلم و.... پرداخته شود و از این طریق معلمان را برای اجرای تغییرات برنامه های درسی در سطح محلی آماده کنند.

محدودیت های پژوهش

این مطالعه با محدودیت های متعددی از جمله عدم همکاری معلمان در تخصیص زمان و مکان مصاحبه به پژوهشگر و محدودیت در دسترسی به معلمان با توجه به حجم بالای دروس و عدم دسترسی به آنها در خارج از ساعات مدرسه مواجه بوده است.

نتیجه گیری

با توجه به مضامین به دست آمده در این پژوهش می توان اظهار داشت که طبق تجربه زیسته معلمان استان هرمزگان تغییر برنامه های درسی متناسب با تغییرات اتفاق افتاده در سایر بخش های جامعه امری مسلم و بدیهی است اما اجرای تغییرات برنامه درسی به صورت متمرکز برای همه استانها محدویت های خاص خود را دارد و از آنجایی که همه استان ها در کشور و از جمله استان هرمزگان دارای شرایط خاصی به لحاظ بومی و محلی، فرهنگی، مذهبی و ... می باشد اجرای برنامه های درسی به صورت یکسان باعث نادیده گرفتن این شرایط و عدم اجرای دقیق و صحیح تغییرات برنامه های درسی می باشد. لذا باید با کاهش تمرکز برنامه های درسی زمینه و بستر لازم برای طراحی و اجرای تغییرات برنامه های درسی متناسب با شرایط خاص هر استان را فراهم آورد تا همه ی ذینفعان تغییرات برنامه درسی از جمله معلمان، دانش آموزان، والدین ، مسئولان محلی، صاحبان صنایع و مشاغل محلی بتوانند با آمادگی کامل در تغییرات برنامه های درسی و اجرای آن سهیم باشند و از پتانسیل ها و ظرفیت های هر استان حداکثر استفاده گردد. که البته در حال حاضر به دلیل نبودن بستر و شرایط لازم امکان واگذاری اختیارات کامل به صورت یکباره به مناطق امکان پذیر نیست و در این زمینه نیز مشکلات خاصی از قبیل کم رنگ شدن فرهنگ ملی و توجه بیشتر به خرده فرهنگ ها در سطح محلی، نبود متخصصین برنامه ریزی در سطح استان ها ، امکان برخورد تبعیض آمیز در سطح مدارس یک منطقه از طرف اعضا و مسئولان جامعه محلی، امکان پایین آمدن کیفیت برنامه هایی درسی تدوین شده در سطح محلی به دلیل نبود متخصصین و امکانات لازم و ....وجود دارد. بنابراین شایسته است که نظام آموزش و پرورش قبل از هر چیز با ایجاد راهکارهایی از قبیل فرهنگ سازی و مهیا نمودن بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت مشارکت ذینفعان در سطح محلی در امر برنامه ریزی درسی، بالا بردن سطح آگاهی و صلاحیت های و شایستگی ها ی مدیران و معلمان جهت مشارکت در برنامه ریزی درسی مناطق، زمینه لازم برای حضور و مشارکت جوامع محلی در تدوین و اجرای تغییرات برنامه درسی را فراهم آورد به گونه ای که ضمن ایجاد یک چارچوب اساسی و ساختار مشترک برای تمامی استان ها نقشه راهی را برای تدوین برنامه درسی در سطح محلی فراهم آورد تا استان ها و مناطق محلی بتوانند ضمن رعایت استاندارد های ملی بر مبنای شرایط بومی و نیاز های جامعه محلی خود به تدوین و اجرای تغییرات برنامه درسی بپردازند.

سپاس گزاری

از تمامی مشارکت کنندگان در این پژوهش صمیمانه تقدیر و تشکر می گردد.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه هرمزگان می‌باشد و ضمن رعایت کلیه اصول اخلاقی دارای کد اخلاق به شماره IR.HUMS.REC.1401.279 از کارگروه کمیته اخلاق در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می باشد.

سهم هر نویسنده

همه نویسندگان به یک اندازه در تدوین و نگارش این مقاله مشارکت داشته اند.

تضاد منافع

بین نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

هزینه های این پژوهش توسط نویسندگان تهیه شده است

منابع

1. Cerna L. The nature of policy change and implementation: A review of different theoretical approaches. Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD) report. 2013 Feb 26:492-502.
2. Ramezani G, Aalaa M, Norouzi A. Coronavirus pandemic and the need to review and change the content of medical science curricula. Iranian Journal of Medical Education. 2020 Apr 10;20:114-5. [Persian]
3. Biramipour, A. [Identifying and prioritizing factors affecting the implementation of elementary school curriculum change]. National Conference on Changing the Curriculum of Educational Courses, 2012. [Persian]
4. Mousapour N, Saberi SH. Evaluation of the Necessary Requirements for Implementation of the National Curriculum of the IR of Iran, Journal o f Curriculum Studies,2010;5(18):62-88. [Persian]
5. Mehrmohammadi, M. & Hosseini, S. M. H. [Curriculum change and implementation]. Tehran: Somit Publications.2018. [Persian]
6. Tichnor-Wagner A. Change Management: Facilitating and Hindering Factors of Curriculum Implementation. Organization for Economic Co-Operation and Development. 2019;24:1-32.
7. Reigeluth CM, Duffy FM. Paradigm change in education: Introduction to special issue. Educational Technology. 2014 May 1:3-6.
8. Wither SE. Local Curriculum Development: A Case Study. University of DenverAERA ConventionSeattle Washington, 2001
9. Lockley JW. *Local curriculum development in sustainability education in New Zealand secondary schools* (Doctoral dissertation, The University of Waikato).2018
10. Gurung GP, Parajuli DR. Study of Local Curriculum Implementation Imparting Local Scientific Knowledge in Nepal. International Journal of Innovation and Education Research. 2021 Jan 20;1(1):9-18.
11. Mwanza C, Mkandawire SB. From Curriculum Guide to Classroom Practice: Teachers' of English Language Narratives of the 2013 Revised Curriculum Implementation in Zambia. Multidisciplinary Journal of Language and Social Sciences Education (2664-083X, Online ISSN: Print ISSN: 2616-4736). 2020 Sep 20;3(2):193-215.
12. Sharma GR, Ahmad MS, Batala LK, Ace BN. Policy paradox between local and national agencies of education: A lived experiences from local curriculum development practices in Nepal. Int J Educ Res. 2019;7(3):159-70.
13. Kanyankole IC. *Examining Teacher's Perspectives on Implementation of Curriculum Change for Primary Education in Kinondoni Municipality* (Doctoral dissertation, The Open University of Tanzania).2019
14. Hadi S, Andrian D. Detecting teacher difficulties in implementing the local curriculum developed by the local government. The New Educational Review. 2018;53:250-60.
15. Govender S. South African teachers' perspectives on support received in implementing curriculum changes. South African Journal of Education. 2018;38(1).
16. Suyanto S. A reflection on the implementation of a new curriculum in Indonesia: A crucial problem on school readiness. InAIP Conference Proceedings 2017 Aug 4 (Vol. 1868, No. 1, p. 100008). AIP Publishing LLC.
17. Thompson D, Bell T, Andreae P, Robins A. The role of teachers in implementing curriculum changes. InProceeding of the 44th ACM technical symposium on Computer science education 2013 Mar 6 (pp. 245-250).

18. Zinati, B. [Identifying the lived experiences of teachers in the face of curriculum change], master's thesis, Allameh Tabatabai University,2019. [Persian]
19. Vaghari Zamharir Z, Karami M, Jafari Sani H. Challenges of revision and implementation of curriculum in Ferdowsi University of Mashhad. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. 2019 Dec 10;25(1):123-47. [Persian]
20. Zarghani, A, Amin Khandaghi, M & Shabani Varki, B. [Change as a human phenomenon: favorable change in the process of implementing new curricula from the perspective of teachers]. Journal of qualitative research in curriculum, 2016: *6*(9),81-44 [Persian].
21. Biramipour, A. [Identifying and prioritizing factors affecting the implementation of elementary school curriculum change]. National Conference on Changing the Curriculum of Educational Courses, 2012. [Persian].
22. Akbary booreng, M. & pour, S. Qualitative data analysis with a phenomenological approach (based on the colaizzi method). 2021. [Persian].